

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هشتم (۱۳۹۷)، شماره هجدهم

تعارض ترجمه عرفی واژه قرآنی «موقوتاً» با روایات معصومان (ع)

سید مهدی موسوی^۱

سید علی اکبر ربیع نتاج^۲

زینب السادات حسینی^۳

چکیده

مترجمان معاصر، واژه «موقوتاً» در آیه ۱۰۳ سوره نساء ﴿... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ را به نحوی متفاوت از همدیگر ترجمه کرده‌اند. این کلمه در برخی ترجمه‌ها به معنای «وقت‌های معین نماز» و در دیگر ترجمه‌ها به معنای «واجب یا لازم و ثابت بودن نماز» آمده است. برخی از این ترجمه‌ها، بر مبنای ظاهر الفاظ آیه و بدون توجه به قرائن دیگر مانند سیاق و روایات معتبر انجام گرفته و مراد اصلی خداوند به طور دقیق منتقل نشده است؛ چنانکه روایات قابل توجهی از معصومان (ع) نیز معنای دیگری برای آیه شریفه بیان نموده‌اند. در نوشتار حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، میزان تطابق ترجمه‌های معاصر در ترجمه این واژه با بیان اهل بیت (ع)، یعنی آگاهان به مراد واقعی خداوند، ارزیابی شده و در نهایت، ترجمه دوم سازگارتر با روایات تشخیص داده می‌شود. در همین راستا، نقش کلام معصومان (ع) در تشخیص ترجمه صحیح قرآن مجید نمایان می‌گردد.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، نقد ترجمه، واژگان قرآن، روایات معصومان، موقوتاً.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) / musavy.mehdi@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران / sm.rabinataj@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران / z.hosseini@umz.ac.ir

۱- مقدمه

در میان ترجمه‌های قرآن کریم اختلاف قابل توجهی مشاهده می‌شود و از آن جهت که شأن قرآن مجید با این اختلاف‌ها و اشتباه‌ها مناسبتی ندارد، لازم است در این ترجمه‌ها بررسی و دقت نموده و درست از نادرست آن مشخص گردد. توجه به کلام معتبر اهل بیت (ع) در این زمینه راه‌گشا و بلکه ضروری است؛ زیرا یکی از شرایط ترجمه صحیح، توجه به روایات صادر شده از معصومان (ع) در تفسیر قرآن است^۱ (خویی، بی‌تا، ص ۵۱۰).

البته مسلم است که در این زمینه، تنها روایات معتبر که از منابع مورد اعتماد به دست ما رسیده چنین قابلیت‌هایی را دارا هستند. بنابراین بررسی روایات مورد نظر، از جهت سندی و محتوایی، حائز اهمیت می‌باشد.

آنچه مد نظر نوشتار حاضر است، نقد و بررسی ترجمه آیه شریفه ﴿... إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (نساء: ۱۰۳/۴)، با تکیه بر روایات اهل بیت (ع) می‌باشد. اختلافی که در مورد این آیه شریفه میان ترجمه‌های مشهور معاصر مشاهده می‌شود، ترجمه واژه «مَوْقُوتًا» است. آیا این کلمه اشاره به «اوقات نماز» دارد و خصوص این آیه می‌خواهد بگوید که نماز در اوقات معینی فرض شده است، چنانکه بعضی از مترجمان به آن اشاره کرده‌اند؛ یا اینکه معنای دیگری از این کلمه اراده شده است؟ با رجوع به روایات متعدد و معتبر اهل بیت (ع) پیرامون این آیه ملاحظه می‌شود که آنها معنای «فرض و قطعی و ثابت» بودن را برای «مَوْقُوتًا» بیان نموده‌اند، و طبق این بیان، آیه کریمه اشاره به این دارد که نماز برای مؤمنان حکمی «قطعی و ثابت» است (در این صورت کتاباً به «حکم یا دستور» و تعابیری مانند آن ترجمه می‌شود. قراین دیگری نظیر اصل لغت، سیاق آیه و تفسیر برخی از مفسران نخستین - که به فرهنگ زمان نزول آشناترند- مؤید و مقوی معنای دوم برای واژه مورد بحث می‌باشند.

روش مقاله حاضر، توصیف نگاه پانزده نفر از مترجمان مشهور معاصر که ترجمه‌های آنها بیشتر مورد توجه عموم است، پیرامون این آیه خاص و تحلیل ترجمه‌ها و تطبیق آنها با روایات معصومین (ع)، برای دست یافتن به نتیجه مربوط است که خود می‌تواند گامی جهت کمک به مترجمان قرآن کریم برای ترجمه دقیق‌تر باشد.

در زمینه موضوع مورد نظر، یعنی بررسی ترجمه واژه «مَوْقُوتًا»، اثری مشاهده نشد. هرچند مسأله بررسی ترجمه‌های قرآن با معیار روایات، در دو اثر ذیل لحاظ شده است:

۱. «و لا بدّ إذن فی ترجمة القرآن من فهمه، و ینحصر فهمه فی أمور ثلاثة: ... ۳- ما جاء من المعصوم فی تفسیره».

۱. مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش روایات در ترجمه قرآن کریم»^۱، که به طور موردی پنج آیه را بررسی نموده است. البته در این مقاله، بهره‌گیری از روایات کم رنگ بوده و گاهی استفاده از تفاسیر در نقد ترجمه‌ها، بیشتر از احادیث مرتبط است، به گونه‌ای که از عنوان و هدف مقاله فاصله گرفته است. ضمن اینکه در این موضوع لازم است از روایات معتبر نقل شده از کتب معتمد دست اول روایی بهره‌مند شد، که در مقاله مزبور این مسئله چندان مورد توجه نبوده است.

۲. مقاله‌ای در همین زمینه از نگارنده مقاله پیش‌رو با عنوان «نقد ترجمه آیه هفتم سوره حمد با بهره‌گیری از روایات»^۲.

۲- حجیت روایات معصومان (ع)

از آنجایی که اصل مبحث حاضر، بیان نقش روایات اهل بیت (ع) در تشخیص تفسیر و ترجمه صحیح قرآن است، صحبت از اعتبار و حجیت روایات تفسیری ایشان ضروری می‌نماید. نصوص متعددی از قرآن و روایات بر حجیت کلام معصومان (ع) در تبیین قرآن کریم دلالت دارند. از جمله آیاتی مانند: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۱۶/۴۴).

طبق حدیث ثقلین^۳ نیز، کلام اهل بیت پیامبر (ع) در کنار کلام وحی، مورد تمسک است. همانطور که می‌شود روایات را بر قرآن عرضه کرد و سنجید، می‌توان معنای قرآن را نیز با روایات معتبر فهمید. بلکه کلام معتبر اهل بیت (ع) بهترین معیار برای فهم کلام و مراد خداست؛ زیرا آنان بر طبق زیارت «جامعه کبیره»، «ترجمان» وحی الهی‌اند: «وَرَضِيكُمُ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ ... وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۱) به بیان صاحب روضه المتقین، «تراجم وحی» یعنی «کسانی که مبین قرآن هستند» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۴۷۱).

بنابر آنچه که از علم و عصمت اهل بیت (ع) بیان شد، قول و رأی معتبر ایشان، قابل تمسک و استناد بوده و ملاک و معیار صحت قول دیگران، از جمله در زمینه ترجمه قرآن کریم می‌باشد.

۱. علی اصغر شعاعی، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۹.

۲. حبیب‌الله حلیمی و سید مهدی موسوی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳.

۳. «... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَأَنْهَمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲).

البته گرچه برخی در استفاده از خبر واحد (خبر ظنی و غیر متواتر) در فهم مراد قرآن و یا تفسیر آن مناقشه کرده‌اند، اما به عقیده برخی دیگر از عالمان، چنین استفاده‌ای منعی ندارد.^۱ فاضل لنکرانی در این رابطه می‌نویسد: «بنابر تحقیق فرقی نیست بین حجیت و اعتبار خبر واحد در آن‌جا که مربوط به احکام عملی باشد و یا آن‌جا که مربوط به تفسیر آیه‌ای باشد که به احکام عملی مربوط نیست. مستند حجیت خبر واحد در هر حال یا بنای عقلاست، و یا ادله شرعی تبعیدی یعنی آیات و روایات...» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۴).

بنابراین روایات آحاد معتبر هرچند «علم» نیست، یعنی از راه آنها، به صدور آن سخن از معصوم (ع) علم حاصل نمی‌شود، ولی «علمی» است؛^۲ ... و در مطلق آیات - چه آیات احکام و غیر آن - جایز است که به استناد چنین روایاتی از مراد واقعی آیات کریمه خبر داد (رجبی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۱-۱۷۰).

۳- معنای «مَوْقُوت» در نظر مترجمان معاصر

برخی ترجمه‌های موجود برای «مَوْقُوتاً»، معنای «وقت‌های معین» یا «اوقات مشخص» و نظیر آن را در مورد نماز مطرح کرده‌اند، چنانکه در برخی کتب لغوی که در ادامه خواهد آمد نیز مطرح شده است. این ترجمه‌ها از این قرارند:^۳

- نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب گشته است (آیتی، ص ۹۵).
- نماز برای اهل ایمان در وقت‌های معین مقرر شده است (ارفع، ص ۹۵).
- نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه‌ای مقرر و لازم بر مؤمنان است (انصاریان، ص ۹۵).
- نماز بر مؤمنان، به وقت‌های معین مقرر است (پاینده، ص ۷۹).
- نماز در وقت‌های معین بر مؤمنان واجب شده است (پورجوادی، ۹۴).
- نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است (فولادوند، ص ۹۵).

۱. تفصیل این مبحث و بررسی آرای موافق و مخالف در این رابطه از حوصله این مقاله خارج است.
۲. به دانش یقینی و دلیل نقلی مفید یقین «علم» گفته می‌شود (مانند نصوص قرآن کریم و روایات متواتر)، و به ظنی که دلیل قطعی بر اعتبار آن باشد و در حکم علم باشد، «علمی» گفته می‌شود؛ (مانند ظواهر آیات کریمه و خبر واحد معتبر) (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵).
۳. در این قسمت به منظور رعایت اختصار، تنها ترجمه بخش مورد نظر آورده می‌شود.

➤ نماز (از جانب خدای تعالی) بر اهل ایمان در وقت معین واجب شده است (فیض الاسلام، ص ۱۹۴).

➤ نماز بر مؤمنان فریضه‌ای است که زمان معین دارد (گرمارودی، ص ۹۵).

➤ نماز بر مؤمنان نوشته‌ای است مقرر و به هنگام (مجتبوی، ص ۹۵).

اما در چند ترجمه دیگر، معنای دوم برای آیه شریفه برگزیده شده است، یعنی «واجب، لازم، ثابت و یا معین بودن» نماز:

• نماز ... برای اهل ایمان، حکمی معین و واجب و لازم است (الهی قمشاهی، ص ۹۵).

• نماز تکلیف ثابت و معین (و روش جاری) برای مؤمنین است (کاویانپور، ص ۹۵).

• نماز همواره بر مؤمنان مقرر است واجب (مشکینی، ص ۹۵).

• همانا نماز است بر مؤمنان نوشته بایسته (معزی، ص ۹۵).

• نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است (مکارم شیرازی، ص ۹۵).

• همانا نماز بر اهل ایمان حکمی واجب نوشته شده (بروجردی، ص ۱۴۵).

حال به منظور تشخیص ترجمه صحیح از میان دو ترجمه متفاوت مزبور، لازم است منابع مرتبط دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۴- معنای «موقوت» در نظر عالمان لغوی

ابن فارس درباره ریشه «وقت» می گوید: «الواو و القاف و التاء: أصلٌ يدلُّ على حدِّ شيءٍ و كُنْهه في زمان و غيره. منه الوقت: الزمان المعلوم: و الموقوت: الشيء المحدود ... و وقته، أي حدّه. قال الله: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۳۱)

«وقت» در اصل به معنی حد و حدود چیزی در زمان و مانند آن است، و «وقت» به معنای زمان معلوم از آن جمله است و «موقوت» یعنی چیز محدود و معین، و «وقته» یعنی حد آن را معین کرد، چنانکه خدای عزّ و جلّ فرمود: «... كِتَابًا مَّوْقُوتًا».

زمخشری نیز در کتاب «الفائق فی غریب الحدیث»، پس از ذکر معنای «بیان کردن حد چیزی» برای ماده «وقت»، کلمه «موقوتاً» در آیه مورد بحث را نمونه‌ای برای آن شمرده است^۱ (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷۴).

۱. «... وقته، إذا بین حدّه. و منه قوله تعالی: ﴿... كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾».

راغب اصفهانی در این رابطه می‌گوید: «وَقْتُ» یعنی پایان زمانی که برای کار فرض شده، بنابراین پیوسته در امر معین و اندازه‌گیری شده به کار می‌رود، مثل «وَقْتُ كَذَا»: «برایش زمان معین کردم و خدای تعالی فرمود: «... كِتَاباً مَوْقُوتاً»^۱. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۷۹).

برخی هم ضمن بیان معنای «حد و محدود»، آن را به معنی مقدر کردن (تعیین کردن) گرفته‌اند^۲ (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۱۲).

البته ابن اثیر، و به تبعیت از او، ابن منظور و زبیدی، معنای «واجب کردن» را نیز برای این کلمه بیان کرده‌اند؛ به این صورت که: گاهی «وَقْتُ» به معنای واجب کرد هم می‌آید، یعنی احرام و نماز را در هنگام فرا رسیدن وقتشان بر مردم واجب کرد، که این معنا در احادیثی تکرار شده است^۳ (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۱۲ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۷ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۵۳).

از برآیند اقوال مزبور چنین استفاده می‌شود که ریشه «وقت» لزوماً متضمن معنای وقت و زمان نیست، بلکه طبق قول ابن فارس، در اصل حاوی معنای معین و مقرر کردن حد چیزی است (بَيْنَ حَدَّهَ)، که از آن جمله، تعیین زمان است که کاربرد بیشتری دارد، و شاید به همین خاطر در بیان برخی عالمان، «وقت» به معنای «زمان» سوق داده شده است. زمخشری هنگام بیان معنای «وقت» به نقلی از ابن عباس استناد می‌کند که می‌تواند گویای مطلب فوق باشد: «لَمْ يَقْتُ (ص) فِي الْخَمْرِ حَدًّا». أَي لَمْ يَحْدِّ، يُقَالُ: وَقَّتَ الشَّيْءَ وَ وَقَّتَهُ، إِذَا بَيَّنَّ حَدَّهُ ...». (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷۴ / ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۱۲).

از نقل مزبور، سوای صحت یا عدم صحت محتوای آن، این نکته بر می‌آید که معنای اصلی «وقت، یقت» تعیین و تقدیر و تثبیت کردن است و زمان، الزاما در آن مطرح نیست. چنانکه به قول ابن اثیر، این واژه گاهی به معنای «واجب کردن» نیز می‌آید که می‌تواند با معانی فوق در یک ردیف قرار گیرد. گرچه برخی «زمان» را نیز در آن دخیل دانسته و آن را به واژه «مَوْقُوتاً» هم سرایت داده‌اند؛ و از این رو معنای آیه کریمه به «اوقات نماز» و «زمان دار» بودن آن متمایل شده است. بنابراین تحقیق بیشتر در شناسایی معنای خاص مدنظر قرآن مجید از این واژه، در

۱. «الْوَقْتُ: نِهَابَةُ الزَّمَانِ الْمَفْرُوضِ لِلْعَمَلِ، وَ لِهَذَا لَا يَكَادُ يُقَالُ إِلَّا مَقْدَرًا نَحْوَ قَوْلِهِمْ: وَقَّتْ كَذَا: جَعَلْتُ لَهُ وَقْتًا. قَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾.

۲. «وَقَّتَهُ يَقْتُهُ، إِذَا بَيَّنَّ حَدَّهُ ... وَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿... كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ أَي مُوقَّتًا مَقْدَرًا.»

۳. «وَ قَدْ يَكُونُ وَقْتُ بَعْضِ أَوْجَبٍ: أَي أَوْجَبَ عَلَيْهِمُ الْإِحْرَامَ فِي الْحَجِّ وَ الصَّلَاةِ عِنْدَ دُخُولِ وَقْتِهَا. وَ قَدْ تَكَرَّرَ فِي الْحَدِيثِ»

قرائن دیگر، نظیر روایات معصومان(ع)۔ که از جهت تقدم زمانی نیز به عصر نزول قرآن نزدیک‌ترند شایسته است.

۵- معنای «مَوْقُوت» در روایات معصومان (ع)

روایات نقل شده از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) که در زمان نزول یا دو سده پس از نزول قرآن صادر شده‌اند، منبع مهمی برای فهم واژگان قرآن است (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳). این روایات، در به دست آوردن مفاهیم کلمات در زمان نزول از دو جهت می‌تواند منبع و مرجع باشد: اول، از جهت این که سخنان اهل بیت (ع) نیز بخشی از فرهنگ مردم در عصر نزول و زمان نزدیک به آن عصر است و با دست یافتن به موارد کاربرد واژه‌ها در سخنان ایشان به معانی واژه‌ها در عرف آن زمان آگاه می‌شویم. دوم، از جهت این که آنان مفسران برگزیده خدا هستند. پس اگر در روایاتی که با سند معتبر از آنان رسیده، معنایی برای کلمات قرآن بیان شده باشد، آن روایات منبعی معتبر برای پی‌بردن به معنای واقعی کلمات است و با توجه به این که در برخی روایات برای کلمات قرآن معنایی غیر از معنای عرفی و لغوی بیان شده است، چه بسا در تفسیر برای به دست آوردن مفاهیم کلمات رجوع به روایات لازم باشد (ابایی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۵). در روایات متعدد و معتبری که در تبیین این آیه شریفه وارد شده، بر این نکته تأکید می‌شود که واژه «مَوْقُوتاً» در اینجا بیانگر «ثابت و لایتنجیر بودن»، و یا به عبارت دیگر «فرض و واجب بودن» نماز است. در حدیثی از امام صادق (ع) «كِتَاباً مَوْقُوتاً» در این آیه، «كِتَاباً ثَابِتاً» معنا شده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَوْقُوتاً﴾ قَالَ كِتَاباً ثَابِتاً، وَ لَيْسَ إِنْ عَجَلْتَ قَلِيلاً أَوْ أَخَّرْتَ قَلِيلاً بِالذِّى يَضُرُّكَ مَا لَمْ تُضِيعْ تِلْكَ الْإِضَاعَةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِقَوْمٍ «خَلْفُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷۰ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۹). «كِتَاباً مَوْقُوتاً» یعنی حکمی ثابت و لازم، و اینطور نیست که اگر نماز را اندکی زودتر یا دیرتر (از وقت فضیلت) خواندی اشکالی داشته باشد، مادامی که اصل نماز را ضایع نکنی، که در آیه ﴿خَلْفُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ﴾ (مریم: ۱۹ / ۵۹) به آن اشاره شده است.

بررسی سندی: راویان این حدیث همه افرادی مورد اعتماد می‌باشند. «داود بن فرقد» از راویان امام صادق و امام کاظم (ع) بوده و مورد وثوق علمای رجال است^۱ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۸/طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۶). همچنین از «فضالة بن أيوب» به عنوان فردی موثق در حدیث و پایدار در دین یاد شده است^۲ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۱۱/طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۲). «حسین بن سعید اهوازی» نیز در فهرست شیخ طوسی توثیق شده است^۳ (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۴۹). دو راوی دیگر این سند یعنی «أحمد بن محمد بن عیسی»^۴ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۲) و «محمد بن یحیی العطار القمی»^۵ (همان، ص ۳۵۳) هم موثق‌اند.

علامه مجلسی هم ضمن صحیح دانستن این حدیث می‌گوید: ظاهر خبر فوق و اخبار دیگر، دال بر این است که «مَوْقُوتاً» به معنی «مفروض» می‌باشد، نه «موقت» (دارای وقت)^۶ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۷).

البته چنانکه فیض کاشانی می‌گوید، مراد از زودتر یا دیرتر خواندن نماز در این حدیث، ادای نماز در خارج از وقت آن نیست، بلکه منظور، خارج بودن از وقت فضیلت بدون عذر است، که چنین کسانی در زمره ﴿... خَلْفُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ ...﴾ هستند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۵۳). مطلبی که پیرامون این حدیث لازم به ذکر است اینکه، ممکن است تصور شود کلمه «ثابتاً» که در روایت مزبور در تبیین عبارت «کتاباً مَوْقُوتاً» از امام (ع) صادر شده، در واقع تفسیر کلمه «کتاباً» باشد، نه «مَوْقُوتاً»؛ چنانکه علامه مجلسی به عنوان احتمال در شرح خود بر آن حدیث می‌گوید: ممکن است «ثابتاً» تفسیر برای کتاب باشد و عبارت «لَيْسَ إِنْ عَجَلْتَ...» تفسیر «مَوْقُوتاً» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۷).

اما چنین احتمالی با توجه به ظاهر روایت مقبول نیست؛ چنانکه خود مرحوم مجلسی هم ابتدا می‌گوید: ظاهر خبر فوق و اخبار دیگر، دال بر این است که «مَوْقُوت» به معنای «مفروض»

۱. «ثقة، روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن (عليهما السلام)، ... قال ابن فضال: داود ثقة ثقة».

۲. «ثقة في حديثه، مستقيماً في دينه. له كتاب الصلاة».

۳. ثقة، روى عن الرضا و عن أبي جعفر الثاني و أبي الحسن الثالث عليهم السلام.

۴. أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين، و وجههم، و فقيهم.

۵. محمد بن يحيى العطار القمی، شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث له كتب.

۶. «... و الحاصل أن ظاهر الخبر و غيره من الأخبار أن الموقوت في الآية بمعنى المفروض لا الموقت».

می‌باشد و وجه دیگر را به عنوان احتمال بیان می‌کند.^۱ جالب توجه اینکه ایشان خبر مذکور را در «بحارالانوار» به این شکل آورده: «و فی الکافی عن الصادق (ع): مَوْقُوتاً أی ثَابِتاً...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۳۱۵). در اینجا لفظ «کتاباً» ذکر نشده است، یعنی «ثابت» تفسیر «موقوت» می‌باشد.

ضمن اینکه به قول مرحوم مجلسی اول، اطلاق «فرض و وجوب» بر «موقوت» شایع و رایج است (و منعی ندارد) (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰). وی این سخن را در شرح حدیثی از امام صادق (ع) که در تبیین این آیه می‌فرماید: «... إِنْ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَوْقُوتاً، قَالَ مَفْرُوضاً» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۹۶) بیان می‌کند.

نکته دیگر اینکه امام (ع) در بیان «کتاباً موقوتاً» صریحاً می‌فرماید: «کتاباً ثابِتاً»؛ و از تقابل این دو عبارت به وضوح استفاده می‌شود که «ثابتاً» به جای «موقوتاً» نشسته و تفسیر آن است؛ ضمن اینکه لفظ «کتاباً» در هر دو تکرار شده، اما به جای «موقوتاً»، «ثابتاً» آمده و این نشان می‌دهد که حضرت در صدد تبیین معنای «کتاباً» نبوده است. همچنین عبارت «و لَیْسَ إِنْ عَجَلْتَ...» تفسیر «موقوتاً» نیست، بلکه برای دفع توهم معنایی است که ممکن است از ظاهر این لفظ برداشت شود.

افزون بر این، مستند چنین تفسیری تنها حدیث فوق نیست، بلکه از روایات متعدد پیش رو نیز همین حقیقت برداشت شده و می‌تواند مؤید آن باشد. مثلاً در دو روایت زیر که عیاشی نقل نموده، «کتاباً موقوتاً» به «کتاباً موجوباً» و یا «کتاباً واجباً» تبیین شده که در ردیف همان مفهوم «کتاباً ثابِتاً» در روایت نخستین قرار دارد:

– «مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ «... كِتَاباً مَوْقُوتاً» قَالَ لَوْ كَانَتْ مَوْقُوتاً كَمَا يَقُولُونَ لَهَلَكَ النَّاسُ وَ لَكَانَ الْأَمْرُ ضَيْقًا وَ لَكِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَوْجُوباً» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۳ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۷).

بررسی سندی: نجاشی در وصف «منصور بن حازم» می‌گوید: او شخصی موثق، راستگو و از بزرگان و فقهای امامیه است.^۲ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۳).

۱. به فرض هم که این قول عقیده ایشان باشد، برای دیگران حجت نیست و تنها می‌تواند به عنوان مؤید برای این وجه خاص به آن استناد نمود.

۲. «ثقة، عین، صدوق، من جلة أصحابنا و فقهاءهم. روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن موسى (عليهما السلام)، له كتب».

قابل توجه اینکه در این روایت عبارت «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْجُوبًا» معادل عبارت آیه کریمه است که فرمود: ﴿كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ «مَوْقُوتًا: مَوْجُوبًا». نکته دیگر اینکه عبارت مذکور، در تقابل با برداشت برخی اهل سنت از «مَوْقُوتًا» قرار گرفته و در صدد انکار آن است؛ زیرا آنها به خاطر وجود کلمه «مَوْقُوتًا» در این آیه (و نه چیز دیگر)، قائل به تعیین اوقات مخصوصی برای نماز شدند، (که اگر در آن اوقات معین خوانده نشد قابل جبران نباشد)؛ پس کلام امام هم (کِتَابًا مَوْجُوبًا) ناظر به همان «مَوْقُوتًا» است و نه چیز دیگر.

- «عَنْ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «... كِتَابًا مَوْقُوتًا» قَالَ كِتَابٌ وَاجِبٌ، ...» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۴ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۶۸). از امام باقر یا امام صادق (ع) از معنای آیه «... كِتَابًا مَوْقُوتًا» پرسیدم، فرمود آن به معنای «حکم واجب» است. بررسی سندی: ظاهراً منظور از «عبید»، «عبید بن زرارة بن أعین» باشد که به قول نجاشی و شیخ طوسی در زمره راویان امام صادق (ع) بوده و فردی کاملاً موثق است^۱ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۳ / طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۳).

در اینجا نیز «کِتَابًا مَوْقُوتًا»، «کِتَابٌ وَاجِبٌ» معنا شده است یعنی «حکمی واجب». به دلیل وجود کلمه «کِتَابٌ» در هر دو عبارت می‌توان نتیجه گرفت که «وَاجِبٌ» بیان «مَوْقُوتًا» است نه «کِتَابٌ»، وگرنه وجهی برای ذکر مجدد لفظ «کِتَابٌ» در کلام امام باقی نمی‌ماند.

این مطلب در روایات دیگری که ذیل آیه مورد بحث و در بیان آن وارد شده نیز مطرح می‌شود. در روایت معتبر زیر، کلمه «مَوْقُوت»، «مَفْرُوض» معنا شده، که مانند کلمه «ثابت» در روایت نخست، به نحوی حاوی مفهوم وجوب و لزوم و قطعیت است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ اسْمُهُ «... كِتَابًا مَوْقُوتًا» قَالَ يَعْنِي «مَفْرُوضًا»^۲ وَ لَيْسَ يَعْنِي وَقْتَ فَوْتِهَا إِذَا جَازَ ذَلِكَ الْوَقْتُ ثُمَّ صَلَّى لَمْ تَكُنْ صَلَاتُهُ هَذِهِ مُؤَدَّاةً...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۴ / عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۳). امام باقر (ع) در بیان آیه «... كِتَابًا مَوْقُوتًا» فرمود: یعنی (نماز) چیزی است واجب شده، و منظور وقت فوت نماز نیست که اگر از آن وقت مقرر بگذرد و نماز را بخواند از او قبول نشود.

۱. روی عن أبي عبد الله عليه السلام، ثقة ثقة، عين، لا لبس فيه ولا شك.

۲. در موضعی دیگر به جای «مَفْرُوضًا»، «مَوْجُوبًا» آمده که ظاهراً نقل به معنا شده و البته هر دو به یک معنا بر می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷۲).

در حدیث فوق نیز گرچه «مَفْرُوضاً» به تنهایی آمده (بدون کتاباً)؛ اما به طور مسلم بیان «مَوْقُوتاً» است، زیرا بعد از گفتن «يَعْنِي مَفْرُوضاً» آن را با جمله «وَلَيْسَ يَعْنِي وَقْتَ فَوْتِهَا» - که ناظر به «مَوْقُوتاً» است - ادامه می‌دهد، و هر دو به یک چیز برمی‌گردد؛ یعنی اثبات یک معنا و نفی معنای دیگر برای یک کلمه. به بیان دیگر، چون چنین برداشتی از کلمه «موقوتا» ناشی شده، نه «کتاباً»، پس به طور طبیعی امام نیز در صدد بیان معنای همان «موقوتا» است.

ضمن اینکه همین حدیث را شیخ صدوق (و پیش از او عیاشی)، که مجلسی اول هم آن را صحیح دانسته (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۰)، در «الفقیه» با لفظ «کتاباً مَفْرُوضاً» نقل نموده (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۲ / عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۳ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۳۸ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۳۵۳) که مطالب پیش گفته (در مورد کتاباً ثابتاً) راجع به آن نیز صادق است.

بررسی سندی: در مورد سند این حدیث هم باید گفت: «زرارة بن أعین» به گفته نجاشی از فقهای بزرگ امامیه بوده که در روایتش صادق است^۱ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵). چنانکه «فضیل بن یسار» نیز در نظر او موثق است^۲ (همان، ص ۳۰۹). امتیاز دیگر زراره و فضیل، وجود آنها در میان «اصحاب اجماع» است، که از نظر اهل علم رجال جایگاه ویژه‌ای دارند. به بیان ابوعمرو کشی، این دو نفر از جمله کسانی هستند که علمای امامیه به اتفاق، سخنان آنان را تصدیق نموده و به فقاہت و علمشان اقرار دارند^۳ (کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۳۸). حریر بن عبد الله سجستانی هم توسط شیخ طوسی توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۲). اما «حماد» بین چند نفر مشترک است و در اینجا که به طور مطلق ذکر شده ظاهراً منظور «حماد بن عیسی» یا «حماد بن عثمان» است. نجاشی در ترجمه «حماد بن عیسی» ضمن توثیق وی، او را از راویان «حریر سجستانی» (مانند حدیث فوق) معرفی می‌کند: «و كان ثقة في حديثه صدوقا... له كتاب الزكاة أكثره عن حرير و يسير عن الرجال» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۲). اگر هم «حماد بن عثمان» مراد باشد، او نیز موثق

۱. «شیخ أصحابنا فی زمانه و متقدمهم، و كان قارئاً فقیها متکلماً شاعراً أدیباً، قد اجتمعت فیہ خلال الفضل و الدین، صادقاً فیما یرویه».

۲. «بصری، صمیم، ثقة، روی عن أبي جعفر و أبي عبد الله علیهما السلام».

۳. «اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الأولین من أصحاب أبي جعفر علیه السلام و أبي عبد الله علیه السلام و اتقادوا لهم بالفقه...».

است (همان، ص ۱۴۳)؛ ضمن اینکه به تصریح کشی هر دو نفر از اصحاب اجماع به شمار می‌روند (کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۵). همچنین علی بن ابراهیم قمی و پدرش، ابراهیم بن هاشم، هر دو از مشایخ مشهور شیخ کلینی و مورد اعتماد می‌باشند^۱ (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰).

علاوه بر آنچه بیان شد، روایتی را صاحب دعائم الاسلام (م. ۳۶۳) نقل نموده که صریحاً دلالت بر این دارد که تفاسیری چون فرض و ثابت و ... ناظر به «موقوتاً» است نه «کتاباً». وی ذیل باب «ذکر ایجاب الصلاة» با اشاره به آیه مورد بحث، این روایت را از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «وَرَوَيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَوْقُوتًا، قَالَ مَفْرُوضًا» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۱/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۰، ص ۲۵).

قابل توجه اینکه در این حدیث سخنی از «کتاباً» نیست تا ایجاد تردید کند که «مَفْرُوضًا» ترجمه کدام واژه است، و در واقع با قرار دادن این روایت در کنار روایات مذکور، آن ابهام برطرف می‌شود. البته احتمال نقل به معنا بودن حدیث مزبور نسبت به احادیث پیشین بعید نیست، ولی به هر حال، مؤید مطالبی است که بیان گردید.

روایات متعدد دیگری با طرق گوناگون در تفسیر عیاشی ذیل آیه مورد نظر نقل شده، که همگی به وضوح بر این نکته تأکید می‌کنند که منظور از «کتاباً مَوْقُوتاً» در این آیه، لزوم و وجوب نماز است.^۲

البته ممکن است گفته شود که صدور چنین روایاتی به منظور انکار دیدگاه اهل سنت است که قائل به اوقات نماز به طور تفصیل یا غیر موسّع هستند، نه انکار مطلق اوقات نماز.

در پاسخ باید گفت درست است که برخی از این احادیث متضمن نقد تفکر عامه در این مورد است و اوقات نماز را به طور مطلق انکار نکرده‌اند، اما قابل توجه اینکه این احادیث، ضمن نفی عقیده مخالفان، با تعبیری نظیر «کتاباً ثابتاً»، «کتاباً مفروضاً» و ... - که بیانگر مراد واقعی آیه است - معنای دیگری برای واژه مورد نظر ثابت نموده و نسبت به معنای اوقات نماز (به مفهوم صحیح آن) نفیاً و اثباتاً ساکت هستند. به هر حال باید این نکته را در نظر گرفت که در این روایات، واژه «مَوْقُوتاً» به مفاهیمی چون «واجب(لازم)، مفروض، ثابت»، ترجمه شده است نه چیز دیگر. به نظر می‌رسد صراحت تعبیر «کتاباً ثابتاً» یا «کتاباً مفروضاً» در تبیین عبارت «کتاباً

۱. علی بن ابراهیم بن هاشم القمی ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب.

۲. از این روایات که با مضمون مشابهی هستند به منظور رعایت اختصار، تنها به ذکر نشانی بسنده می‌شود (عیاشی،

مَوْقُوتاً»، کافی باشد که (حداقل بر مبنای روایات مذکور) «مَوْقُوتاً» به معنی لزوم و وجوب و امثال آن دانسته شود؛ که این همان پاسخ به سؤال اصلی این مقاله است، یعنی معنای واژه «موقوتاً» در این آیه کریمه.

حتی می‌توان گفت با توجه به سیاق آیه مورد نظر و دو آیه قبل از آن، استفاده چنین معنایی از «موقوتاً» بعید نیست. زیرا موضوع دو آیه قبل، نماز خوف و قصر، نماز در شرایط خاص است که این مسأله تناسب چندانی با اوقات معین نماز ندارد، بلکه دال بر قطعیت و اهمیت نماز است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، بعد از اشاره به اینکه «از ظاهر لفظ آیه برمی‌آید که نماز از همان اول تشریح، فریضه‌ای دارای وقت بوده» می‌گوید: «ولی ظاهراً وقت در نماز، کنایه باشد از ثبات و عدم تغییر بنا بر اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی. و مراد از کتاب موقوت بودن نماز، مفروض و ثابت و غیر متغیر بودن آن است. یعنی نماز به حسب اصل، دگرگونی نمی‌پذیرد و در هیچ حالی ساقط نمی‌شود»^۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۶۳).

مرحوم علامه در بیان علت برگزیدن این تفسیر می‌افزاید، معنای ظاهری «موقوت» با مضمون آیه هم مناسبتی ندارد. بیان ایشان چنین است: «معنای اول که در بدو نظر از ظاهر لفظ آیه به ذهن می‌رسد (اوقات معین نماز)، با مضمون جمله‌های قبلی نمی‌سازد، چون مضمون آن جمله‌ها احتیاج به آن نداشت که متعرض این بشود که نماز دارای اوقات معینی است. علاوه بر اینکه جمله: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ ...» در مقام بیان علت جمله: «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» است. و ظاهر این تعلیل این است که مراد از موقوت بودن نماز، ثابت بودن آن و تغییر نیافتن و ساقط نشدنش در هیچ حالی از احوال و مبدل نشدنش به چیز دیگر است»^۲ (همان).

علاوه بر آنچه تاکنون ذکر گردید، بعضی از مفسران نخستین از صحابه و تابعان نیز - که به دلیل نزدیکی به عصر نزول آگاهی بیشتری نسبت به لغات قرآن کریم دارند - از «موقوتاً» همین معنا را فهمیده‌اند که می‌تواند مؤیدی بر معنای برگزیده باشد. شیخ طوسی پس از بیان اینکه در تفسیر این آیه اختلاف است، به برخی اقوال اشاره نموده است:

۱. «و الظاهر أن الوقت في الصلاة كناية عن الثبات و عدم التغير بإطلاق الملزوم علي لازمه فالمراد بكونها كتاباً موقوتاً أنها مفروضة ثابتة غير متغيرة أصلاً فالصلاة لا تسقط بحال».

۲. «و ذلك أن إبقاء لفظ الموقوت علي بادئ ظهوره لا يلائم ما سبقه من المضمون إذ لا حاجة تمس إلى التعرض لكون الصلاة عبادة ذات أوقات معينة مع أن قوله «إِنَّ الصَّلَاةَ» في مقام التعليل لقوله «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» فالظاهر أن المراد بكونها موقوتة كونها ثابتة لا تسقط بحال، و لا تتغير و لا تبدل إلى شيء آخر كالصوم إلى الفدية».

«برخی مانند عطیه، ابن عباس، سدی و مجاهد گفته‌اند این آیه یعنی: نماز بر مؤمنان فریضه‌ای واجب شده است، که این معنا از صادقین (ع) نیز روایت شده. و برخی دیگر مانند حسن بصری گفته‌اند: یعنی «فریضه‌ای واجب»، که هر دو معنا نزدیک به هم بلکه یکی هستند»^۱ (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۱۳).

اشکال دیگری که ممکن است راجع به این مبحث مطرح شود این است که: لفظ «کتاباً» در آیه مورد نظر، خود می‌تواند اشاره به وجوب نماز داشته باشد. مانند آیه شریفه ﴿... كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ (بقره: ۱۸۳ / ۲) که در همین معنا به کار رفته است. از این جهت نمی‌توان از لفظ «مَوْقُوتاً» چنین معنایی (فرض و وجوب) را توقع داشت.

در پاسخ باید متذکر شد: درست است که ماده «کتب» در معنای وجوب هم استعمال می‌شود، اما در معنای دیگری، نظیر حکم و قضا و تقدیر و... هم به کار می‌رود؛ چنانکه راغب اصفهانی به آیات ذیل و معنای «کتاب» در آنها اشاره نموده است: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً ...﴾ (آل عمران: ۳ / ۱۴۵) آی: حکماً، ... و ﴿لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (انفال: ۶۸ / ۸)، کلّ ذلك حکم منه ...؛ ﴿لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا﴾ (توبه: ۵۱ / ۹) یعنی: ما قدره و قضا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۷۰۱-۷۰۰).

بنابراین نمی‌توان گفت که این کلمه (کتاباً) در آیه مورد بحث نیز لزوماً به معنای فرض و وجوب و مانند آن باشد، و به این خاطر، «مَوْقُوتاً» به «اوقات خاص نماز» ترجمه و تفسیر شود؛ بلکه «کتاب» در اینجا می‌تواند به عنوان «حکم» (و تکلیفی) از جانب خدای تعالی معنا شود (چنانکه در برخی ترجمه‌ها آمده بود)، و «مَوْقُوتاً» هم که پس از آن آمده به مفهوم امری واجب یا قطعی و ثابت باشد. به عبارت دیگر، چنین نیست که هر جا ماده «کتب» آمده بود از آن معنای وجوب و امثال آن استفاده شود، بلکه می‌تواند به معنای دیگر هم باشد، چنانکه در کلام راغب اصفهانی ذکر شد. پس مانعی ندارد که در اینجا هم «کتاباً» متضمن مفهوم فرض و وجوب نباشد، بلکه به قرینه روایات مذکور - به ویژه «کتاباً ثابتاً» - می‌توان معنای فرض و لزوم را به کلمه «مَوْقُوتاً» نسبت داد.

۱. «معناه أن الصلاة كانت على المؤمنين فریضة مفروضة، ذهب إليه عطیه، و ابن عباس، و السدی، و مجاهد، و هو المروی عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام. و قال آخرون: «كانت على المؤمنين فرضاً واجباً. ذهب إليه الحسن، و مجاهد، ... و المعنيان متقاربان بل هما واحد. و قال آخرون: معناه كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً یعنی منجماً يؤدونها في أنجمها ذهب إليه ابن مسعود و زيد بن أسلم و قتادة»

بنابر آنچه گفته شد، از چند جهت می‌توان معنای «واجب یا ثابت و معین بودن» برای واژه مورد بحث را بر غیر آن ترجیح داد:

۱. این معنا همانطور که در بحث لغوی بررسی شد، بی‌ارتباط با اصل لغت هم نیست و حتی چنانکه از مجلسی اول ذکر شد، کاربرد «مَوْقُوت» به معنی «مَفْرُوض» رایج است.
۲. در سخن برخی از صحابه و تابعین که نزدیک به عصر نزول قرآن هستند نیز همین معنا از این واژه برداشت شده است.
۳. سیاق و مضمون آیات نیز، طبق بیان علامه طباطبایی، مناسبت چندانی با مبحث اوقات نماز ندارد.
۴. از همه مهمتر، روایات معتبر معصومان (ع) نیز با دلالت صریح (و یا غیر صریح) بر همین معنا تأکید دارند.

در نتیجه ترجمه‌هایی که واژه «مَوْقُوتَا» را به معنای «اوقات معین نماز» گرفته‌اند، گرچه بر اساس معنای لفظی متداول (وقت) است، اما این کلمه در اصل لغت، لزوماً حاوی معنای وقت و زمان نیست، بلکه به نوعی مفهوم تحدید و تعیین و تثبیت کردن را می‌رساند، که وقت (زمان) از اقسام آن است نه اینکه همه آن باشد. و به نظر می‌رسد که در روایات اهل بیت (ع)، همان مفهوم دوم برای این واژه لحاظ شده است؛ یعنی معانی‌ای چون ثابت و مفروض، که به نحوی متضمن معنای لزوم و قطعیت برای نماز هستند. و این چیزی است که معلمان حکیم کتاب کریم الهی به عنوان مراد واقعی آیه از آن خبر داده‌اند. به همین جهت در مقاله حاضر، ترجمه‌هایی که مطابق این روایات و دیگر قرائن مزبور انجام شده، بر دیگر ترجمه‌ها ترجیح داده می‌شوند. البته وقت‌دار بودن نمازهای پنجگانه و مبحث اوقات نماز، در جای خود امری ثابت و مسلم است، چنانکه در کریمه ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ...﴾ (إسراء: ۷۸ / ۱۷) آمده است؛ اما با توجه به روایات معتبر و مطالب ذکر شده، معلوم نیست که این حقیقت را بتوان از آیه مورد بحث نیز استفاده نمود (والله أعلم).

نتیجه‌گیری

۱. روایات معتبر اهل بیت (ع) در تشخیص ترجمه صحیح آیات قرآن کریم نقش بارزی دارند. در این مقاله ضمن بررسی ترجمه‌های معاصر پیرامون آیه ۱۰۳ سوره نساء، نقش مذکور به روشنی نمایانده شده است.

۲. در ترجمه واژه «مَوْفُوتَا» در آیه مورد بحث، میان مترجمین معاصر اختلاف است. برخی ترجمه‌ها مراد از آن را «دارای وقت بودن» نماز و یا «مقرر بودن در وقت‌های معین» دانسته‌اند، که ظاهراً این ترجمه بر مبنای لفظ «مَوْفُوتَا» صورت پذیرفته است، چنانکه در عرف لغت هم معمولاً چنین معنایی به ذهن متبادر می‌شود. اما در تعدادی از ترجمه‌ها، این واژه به معنای «فرض یا قطعی و ثابت بودن» نماز ترجمه شده است. این معنا علاوه بر مطابقت با سیاق آیه، در روایات معتبری از اهل بیت (ع) وارد شده است، به گونه‌ای که نمی‌توان چنین روایات قابل توجهی را در این رابطه نادیده گرفت و همچنان بر معنای لفظی و ظاهری اصرار داشت. و بر کسی پوشیده نیست که معصومان (ع) که مبین و مترجم حقیقی قرآن مجید هستند، به خاطر عصمت کامل و علم وافر به سیاق و محتوای آن، کلامشان بر هر سخن دیگری اولویت دارد و در مقام تعارض یا ترجیح، کلام آنان برگزیده می‌شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک؛ *النهاية في غريب الحديث و الاثر*؛ قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن بابویه صدوق، محمد؛ *من لایحضره الفقیه*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳. —؛ *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد؛ *دعائم الاسلام*؛ قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
۵. ابن فارس، أحمد؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر، ج ۳، ۱۴۱۴ ق.
۷. بابایی، علی اکبر؛ *مکاتب تفسیری*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲، ۱۳۸۷ ش.
۸. حر عاملی، محمد؛ *تفصیل وسائل الشیعة*؛ مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: ۱۴۰۹ ق.
۹. حسینی زبیدی، محمدمرتضی؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. خوبی، سید ابو القاسم؛ *البيان في تفسير القرآن*؛ بی جا، بی نا، بی تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. رجبی، محمود؛ *روث تفسیر قرآن*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. زحشری، محمود بن عمر؛ *الفائق في غريب الحديث*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. سبحانی، جعفر، *کلیات علم رجال*؛ ترجمه: مسلم قلی پور، قم: انتشارات قدس، ج ۵، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین؛ *المیزان في تفسير القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. —؛ *قرآن در اسلام*؛ قم: موسسه بوستان کتاب، ج ۳، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبيان في تفسير القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. —؛ *الرجال*؛ مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ج ۳، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. —؛ *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین*؛ قم: مکتبه الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *تفسیر العیاشی*؛ تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. فاضل لنکرانی، محمد؛ *مدخل التفسیر*؛ قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن؛ *الوافی*؛ اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. فیومی، أحمد بن محمد؛ *المصباح المنیر في غريب الشرح الكبير*؛ قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. کشی، محمد بن عمر؛ *رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال*؛ مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۲۶. مجلسی، محمدتقی؛ *روضۃ المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*؛ قم: بی نا، ج ۲، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. —؛ *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۲، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۶، ۱۳۶۵ ش.